

رفتارشناسی احزاب سیاسی آمریکا
در قبال جمهوری اسلامی ایران
(پس از سال ۱۳۷۹)

مؤلف :

عباس منصوری

عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور مرکز ایلام



نشر زنگنه

۱۳۹۵

سرشناسه: - منصوری، عباس، ۱۳۵۵ -

عنوان و نام پدیدآور: رفتارشناسی احزاب سیاسی آمریکا

در قبال جمهوری اسلامی ایران پس از سال ۱۳۷۹ /

مؤلف: عباس منصوری.

مشخصات نشر: ایلام: انتشارات زاگرو، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ۱۴۲ ص.

شابک: ۱۰۰,۰۰۰ ریال ۴-۱۶-۸۲۳۸-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: حزب‌های سیاسی -- ایالات متحده -- تاریخ -- قرن ۲۰م

موضوع: Political parties -- United States -- History -- 20th century

موضوع: تحریم اقتصادی آمریکا -- ایران

موضوع: Economic sanctions, American -- Iran

موضوع: ایالات متحده -- روابط خارجی -- ایران

موضوع: United States -- Foreign relations -- Iran

موضوع: ایالات متحده -- روابط خارجی -- ایران

موضوع: United States -- Iran -- Foreign relations

موضوع: ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹ -- دخالت ایالات متحده

موضوع: Iran -- History -- Islamic Republic, 1379 -- Participation, United States

United States

موضوع: ایالات متحده -- سیاست و حکومت -- ۲۰۰۱م.

موضوع: 2001 -- United States -- Politics and government

رده بندی کنگره: [JK ۲۲۶۵] ۳۹۵ -- ۳۱۹ م. ۱۳۹ / DSR 139/

رده بندی دیویی: ۳۱۹/۵۵۰۷۳

شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۹۲۳۴



ناشر: زاگرو - ایلام خ اشرفی اصفهانی: کوچه‌ی سوم، پلاک ۲۱۷

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

طرح جلد: معصومه صفایی نیا

۷	پیشگفتار.....
۱۱	فصل اول:.....
۱۱	کلیات.....
۱۲	سیر تحولات واقع گرایی.....
۱۴	مبانی و مفروضات رئالیسم و مناظره های درون پارادایمی.....
۱۶	جایگاه قدرت در نظریات واقع گرایی.....
۱۷	توازن نیروها و واقع گرایی.....
۱۸	جایگاه منافع ملی در نظریات واقع گرایی.....
۲۰	دولت در نظریات واقع گرایی.....
۲۱	امنیت در نظریات واقع گرایی.....
۲۵	فصل دوم:.....
۲۵	مبانی فکری، ایدئولوژیک و سیاسی احزاب امریکا.....
۲۶	نظام حزبی در ایالات متحده آمریکا.....
۲۸	مکاتب تأثیرگذار در سیاست خارجی آمریکا.....
۳۳	مبانی فکری، ایدئولوژیک و سیاسی حزب جمهوری خواه.....
۳۸	مبانی فکری، ایدئولوژیک و سیاسی حزب دموکرات.....
۴۴	اصول و سیاست های مشترک حاکم بر احزاب امریکا.....
۴۶	اهداف دو حزب در منطقه ی خاورمیانه.....
۴۹	فصل سوم:.....
۴۹	رفتارشناسی جمهوری خواهان و دموکرات ها در قبال ایران.....
۵۰	سیاست خارجی جورج بوش.....
۵۵	نظام بین الملل و حوادث ۱۱ سپتامبر بر سیاست خارجی بوش.....
۵۸	رفتارشناسی جمهوری خواهان در قبال ایران.....

۶۲	برنامه های هسته ای
۷۰	مسئله تروریسم
۷۳	عراق جدید: میدان اصلی تضاد نقش ها در دوران بوش
۷۵	تضعیف ایران با روندهای غیرنظامی
۷۹	فصل چهارم
۷۹	رفتارشناسی دموکراتها و دموکرات ها در قبال ایران
۸۰	سیاست خارجی اوباما و ایران
۹۶	فصل پنجم
۹۸	متنبرهای مؤثر در جهت گیری دموکرات ها نسبت به ایران
۹۸	تأثیر بهبود روابط با نگاه دموکرات ها به ایران
۱۰۱	ناکامی لایه دموکرات ها و تأثیرات آن بر اقدامات بعدی
۱۰۵	فصل پنجم
۱۰۵	مقایسه رفتارشناسی دولت جمهوری خواه و دموکرات
۱۰۶	مقایسه سیاست خارجی بوش و اوباما
۱۳۱	منابع

پیشگفتار

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، روابط ایران و آمریکا با فراز و نشیب های بسیاری روبرو بوده است. در این بین می توان گفت جنبه های واگرایی و تعارض بیش از جنبه های هم گرایی بوده است. از زمان قطع روابط کامل بین ایران و آمریکا، موانع فراوانی احراز و ظاهر شده اند که تا به امروز مانع روابط رسمی بین دو کشور حتی با وجود منافع مشترک گردیده اند. در این راستا، ایران اعتقاد دارد که عواملی همچون آزادسازی و پرداخت آرایه های مصادره شده ایران توسط آمریکا، حمایت غیر رسمی آمریکا از اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران، حضور نظامی آمریکا در عراق و منطقه، وضع تحریم علیه ایران، از عوامل تأثیر گذار در شکاف روابط دو کشور است. در مقابل آمریکا نیز اعتقاد دارد که عواملی همچون برنامه های هسته ای، اختلال و مداخله ایران در مسئله اعراب و اسرائیل و بیت از گروه هایی همانند حماس و گروه های دیگر اسلامی، به رسمیت نشناختن و تهدید مداوم اسرائیل توسط ایران، مبارزه با برخی اقلیت های مذهبی و سیاسی در ایران (مانند بهاییان، بابیان و غیره) توسط نظام جمهوری اسلامی و ترویج آمریکا ستیزی زمانه، از روابط تنش زایانه دو کشور شده است. با این وجود، در رویکرد دولت های جمهوری خواه و دموکرات آمریکا و ایران پس از سال ۱۳۷۹ باید اشاره داشت که جمهوری خواهان همواره خواستار برخورد های سخت نظامی با ایران بوده و در مقابل دموکرات ها معتقد به گزینه تحریم برای فشار بر ایران هستند. با این حال، با وجود تفاوت در شیوه رفتاری دو حزب، باید گفت که هدف مشترک این دو، مقابله با نفوذ ایران در منطقه و سطح نظام بین الملل و همچنین تغییر نظام است که باعث شده است تا روابط دو کشور نه تنها بهبود نیابد، بلکه روند افزایشی نیز داشته باشد.

برخی از موضوعات راهبردی ایالات متحده، ماهیت دو حزبی دارد. تهدید علیه بازیگران نوظهور و نظام های انقلابی را می توان در زمره سیاست های امنیتی در چهارچوب ساختار دو حزبی در آمریکا دانست. براساس چنین نگرشی، می توان تأکید داشت که محور اصلی سیاست امنیتی آمریکا در برخورد با ایران، مبتنی بر تهدید بوده است. نشانه های تهدید را می توان در حوزه های رفتاری مختلفی مورد ملاحظه قرار داد. این امر در دوران قدرت اجرایی دموکرات ها و جمهوری خواهان در آمریکا به یک میزان علیه ایران اعمال شده است. آمریکایی ها همواره از سیاست تهدید علیه ایران بهره گرفته اند. چنین فرایندی براساس سیاست فشار اعمال شده است. جاه های ر دیپلماسی فشار، تهدید و بهره گیری از الگوی چماق و هویج در سیاست امنیتی آمریکا نسبت به ایران به کار گرفته شده است. ضرورت های سیاست امنیتی آمریکا در برخورد با ایران نشان می دهد که تهدیدات امنیتی، بخشی از واقعیت های سیاست بین الملل محسوب می شوند. کشورهایی که دارای اهداف استراتژیک معطوف به تغییر وضع موجود باشند یا اینکه با اهداف قدرت های بزرگ و بازیگران منطقه ای هماهنگی نداشته باشند، در شرایط تهدید امنیتی قرار می گیرند. پس از سال ۲۰۰۰، سیاست خارجی آمریکا در دوران جورج بوش در قبال ایران با نشانه هایی از تغییر و سردرگمی همراه بود. این امر منجر به تشدید خصومت در سیاست اعلامی دو کشور نسبت به یکدیگر می شد. به سواد کلی می توان تأکید داشت که رهیافت های دولت بوش علیه ایران، همواره تلاشی به تلاش گسترده برای فشار بین المللی علیه ایران بود. هدف آمریکا از این امر را می توان متوقف سازی برنامه هسته ای ایران از طریق فشار بین المللی دانست. در این دوران، تهدید ایران به گونه ای جدی تلقی می شد که کارگزاران دولت بوش بر ضرورت تغییر رژیم تأکید داشتند. این امر بخشی از ادبیات سیاسی و سیاست اعلامی جورج بوش

بود. اگر چه آمریکا از ابزار نظامی علیه ایران استفاده نکرد، اما در دوران بوش، آمریکایی‌ها از ضرورت مقابله با ایران در ادبیات سیاسی خود بهره می‌گرفتند. هدف دولت بوش، محدودسازی ایران و کاهش نقش امنیتی آن در حوزه خاورمیانه بوده است. اگر چه ایران و آمریکا تا حدودی دارای رویکردهای مشترک در مقابله با طالبان و القاعده بوده‌اند، اما جورج بوش در صدد برآمد تا مخاطرات و محدودیت‌های بیشتری را متوجه ایران کند. براساس چنین رویکردی در ژانویه ۲۰۰۲ ایران در فهرست کشورهای محور شرارت قرار گرفت. بعد از آن نیز شاهد تشدید محدودیت‌های آمریکا علیه ایران بوده ایم.

این روند نه تنها در دوره جورج بوش تداوم یافت بلکه باراک اوباما نیز چنین الگویی از رفتار استراتژیک ادامه داد. اگر چه وی در تبلیغات انتخاباتی خود تأکید داشت که الگوی رفتاری منافع کارنه سیاست خارجی آمریکا در دوران جورج بوش و در برخورد با ایران با منافع آن کشور سازگاری نداشته است. بر این اساس، وی تأکید کرد که یکی از حوزه‌های سیاست تغییر خود را متوجه جمهوری اسلامی ایران خواهد کرد.

در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما، بعد ادبیات سیاسی کاخ سفید تغییر یافت اما واقعیت‌های موجود نشان می‌دهد که این گونه تغییرات، تأثیر چندانی در سیاست عملی آمریکا به جا نگذاشته است. در عین حال تغییرات در تکنیک‌های رفتار سیاسی و دیپلماتیک آمریکا ایجاد شده اما این امر تأثیر چندانی در بازسازی روابط ایران-آمریکا به جا نگذاشته است. در دوران اوباما نیز سطح جدیدی از تهدیدات امنیتی علیه ایران شکل گرفته و بسیاری از نشانه‌های تهدید آمیز دوران جرج بوش را منعکس می‌سازد. شواهد نشان می‌دهد که در این دوران، فقط زمینه‌های بازسازی روابط دیپلماتیک در حوزه‌های محدودی به وجود آمده است.

بررسی مسائل مطرح شده در این زمینه از جهات مختلف دارای اهمیت می باشد. لذا در این نوشتار تلاش شده تا ابعاد کلی روابط ایران و امریکا و سیاست های احزاب سیاسی این کشور در قبال جمهوری اسلامی ایران به تفصیل مورد بحث قرار گیرد. به امید اینکه برای خوانندگان عزیز مفید واقع گردد.

عباس منصوری

۱۳۹۵

www.ketab.ir